

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «حکمرانی خوب»

شماره مسلسل: ۱۳۹۵۰۰۰۲

تاریخ: ۱۳۹۵/۰۱/۱۰



شناسنامه

عنوان:

**آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
بررسی مفهوم «حکمرانی خوب»**

مؤلف:

سیدمحسن باغسنگانی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۵۰۰۰۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۰۱/۱۰

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۲	مقدمه
۳	چکیده
۳	۱- درآمد
۴	۲- مفهوم شناسی
۴	۱-۱. در لغت
۴	۲-۱. در اصطلاح
۴	حکمرانی
۵	حکمرانی خوب
۶	مفهوم حکمرانی خوب در علم حقوق
۷	۳- تاریخچه
۸	۴- رویکردهای مختلف به حکمرانی خوب
۱۰	۵- شاخص‌ها و ویژگی‌های حکمرانی خوب
۱۰	۱-۵. مشارکت
۱۰	۲-۵. حاکمیت قانون
۱۱	۳-۵. شفافیت
۱۱	۴-۵. انعطاف‌پذیری
۱۱	۵-۵. وفاق محوری
۱۱	۶-۵. انصاف و فراگیر بودن
۱۱	۷-۵. کارآمدی و اثربخشی
۱۲	۸-۵. پاسخگویی
۱۲	۹- آثار حقوقی حکمرانی خوب
۱۵	۷- مبانی حقوقی حکمرانی خوب
۱۶	۶- رویکردهای اندیشمندان حقوقی کشور به حکمرانی خوب
۱۹	۹- جمع بندی
۲۰	۱۰- منابع پیشنهادی جهت مطالعه بیشتر
۲۲	منابع و مأخذ

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنا نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی برمدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام سازی اسلامی برداشته شود.

«حکمرانی خوب، الحکم الرشید، Good governance»

چکیده

حکمرانی خوب در صدد است تا در شرایط جدید و متفاوت زندگی معاصر، با بیان شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی درباره کیفیت و نقش دولت دیدگاه‌های تازه‌ای را مطرح کند. البته هنوز اجماع و وحدت نظر مشخصی درخصوص محتوا و مؤلفه‌های حکمرانی خوب شکل نگرفته است و به همین دلیل در این تحقیق بیشتر بر اسناد سازمانهای بین‌المللی تاکید شده است؛ اما تمرکز بر فرآیند حکمرانی به جای حکومت، پذیرش سه گانه دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی و برشمردن چندین مؤلفه برای حکمرانی خوب از ویژگی‌های مشترک نظرهای مختلفی است که درباره آن ابراز شده است. ادعای جهانی بودن و انطباق پذیری با همه شرایط و ویژگی‌های متنوع عقیدتی از دیگر مدعاهای حکمرانی خوب است. در نهایت رویکردهای داخلی نسبت به این نظریه معرفی و بررسی شده است.

واژگان کلیدی

حکمرانی، حکمرانی مطلوب، حکمرانی خوب، حاکمیت قانون، حقوق بشر

۱- درآمد

حکمرانی خوب امروز در وضعیت ابتدایی به سر می‌برد. در واقع پیدایش وضع جدید در زندگی اجتماعی در جهان و تلاش علوم اجتماعی در جهت تبیین این وضع جدید منجر به طرح ایده‌ای شده که از آن به حکمرانی خوب یاد می‌شود. ایده‌ای که پیش‌بینی می‌شود آینده‌ای جهانگیر داشته باشد. اما می‌توان ادعا کرد که نه در تعریف و نه در مولفه‌ها اجماعی میان اندیشمندان وجود ندارد.

از نظر تاریخی، حکمرانی خوب واکنشی در مقابل مشکلات و شکست‌های سیاست‌های پیشنهادی مؤسسات مالی بین‌المللی بود؛ نسخه‌هایی که برای کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه و در جهت رشد اقتصادی آنها پیچیده می‌شد و به جای حل مشکلات بر حجم و تنوع آنها می‌افزود. البته اگر چه در مورد مفهوم، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های حکمرانی خوب هنوز وحدت نظر وجود ندارد؛ لکن پذیرفتن سه گانه دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی در کنار هم، پذیرش این نکته که نمی‌توان یک

نسخه واحد برای کل جهان تجویز کرد، تأکید بر تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی و ... کشورهای مختلف، و بسنده کردن به ارائه مؤلفه‌هایی که در هر محیطی مصداق خود را خواهند یافت از جمله مشترکات میان این نظرهای گوناگون است.

این نظریه به دلایل متعددی مثل گسترش ارتباطات، احساس نیاز به تبیین‌های جهان شمول و ... در حوزه‌های مختلف با استقبال روبرو شد. در حوزه علم حقوق طبق نظر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل حکمرانی خوب در واقع یک چهارچوب مفهومی برای توسعه حق‌محور یا حق بر توسعه است که در جهت دفاع از حقوق اولیه بشر طراحی شده است و از مؤلفه‌هایی نظیر حاکمیت قانون، مشارکت و ... برخوردار است. البته دامنه حکمرانی خوب شاخه‌های دیگری از علوم اجتماعی نظیر اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت دولتی و ... را هم در برمی‌گیرد که در هر حوزه باید تبیین و با ادبیات خاص خود بررسی شود.

۲- مفهوم شناسی

۱-۱. در لغت

از نظر واژه‌شناسی، حکمرانی به واژه یونانی Kubernan به معنی هدایت کردن یا اداره کردن برمی‌گردد و توسط افلاطون در رابطه با چگونگی طراحی نظام حکومت (System Of Rule) استفاده شده است. این اصطلاح یونانی ریشه لغت Gubenare در لاتین قرون وسطی بود که بر همان مفاهیم هدایت کردن، قانونگذاری یا راندن دلالت می‌کند. این اصطلاح در فرهنگ فشرده آکسفورد مترادف با واژه حکومت (Government) استفاده شده است. در اینجا حکمرانی «عمل (act) یا روش (Manner) حکم راندن (Governing) است»^(۱) حکم راندن به معنی «حکمفرمایی یا کنترل کردن با استفاده از اختیار و همچنین بودن در حکومت» است. (هداوند، ۱۳۸۴: ۵۳)

۱-۲. در اصطلاح

حکمرانی

حکمرانی براساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل، اعمال اختیار سیاسی،

1. <http://www.oxforddictionaries.com/definition/learner/governance>

اقتصادی و اداری به منظور اداره امور کشور در تمام سطوح است. این اعمال حاکمیت شامل سازوکارها و فرایندها و نهادهایی است که توسط آن شهروندان و گروه‌ها منافع خود را تأمین می‌کنند. حقوق قانونی خود را مطالعه کرده، به تهدیدات خود عمل می‌کنند و تفاوت‌های خود را بیان می‌دارند.^(۱)

بنا به تعریف ارائه شده در گزارش کمیسیون حکمرانی جهانی ۱۹۹۵ میلادی: «حکمرانی مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می‌کند. حکمرانی فرآیندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد و متنوع را همساز می‌نماید و اقدام همکاری‌جویانه اتخاذ می‌گردد. حکمرانی شامل نهادهای رسمی و نظام‌هایی است که برای تضمین رعایت قانون قدرت پیدا کرده‌اند. همچنین قرارهای غیر رسمی که مردم و نهادها بر سر آن توافق نموده‌اند یا درک می‌کنند که به نفع آنهاست»^(۲)

حکمرانی خوب

تعاریف متعددی از حکمرانی خوب ارائه شده است. «حکمرانی جهانی به نظر می‌رسد که شامل نظام‌های حکومت کردن در همه سطوح فعالیت انسان از سطح خانواده تا سازمان‌های بین‌المللی است که در آنها تعقیب هدف‌ها از طریق اعمال کردن کنترل، بازتاب فراملیتی دارند.» (Anne Mette Kjar, 2004:1)

بر اساس تعریف اتحادیه اروپا «حکمرانی خوب مدیریت شفاف و پاسخگو منابع در یک کشور با هدف تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی عادلانه و پایدار است» (Hams-Otto, 2002:123)

در تعریف دیگر «حکمرانی خوب به فرآیندهایی مربوط می‌شود که به وسیله آنها حاکمیت و کارکردهای بخش عمومی در جامعه اعمال می‌گردد، به ویژه اختیار بخش عمومی برای برنامه‌ریزی و اجرای خط‌مشی‌ها و راهبردهایی که مربوط به توسعه و کاهش فقر یا مؤثر در آن هستند» (Hams-Otto, 2002:123)

همه این تعاریف بیانگر مفهومی وسیع‌تر از حکومت هستند. کاربرد جدید واژه

1. http://www.undp.org/content/dam/undp/documents/projects/PSC/00038992_GOLD%20FINALPRODOC.doc.

2. "what Is Good Governance at:

<http://www.unescap.org/sites/default/files/good-governance.pdf>

حکمرانی فقط شامل بازیگران و نهادهای «دولت» نمی‌شوند. در این تعاریف به نقش شبکه‌ها در تعقیب اهداف مشترک متمرکز شده‌اند که ممکن است درون حکومتی یا درون‌سازمانی یا فراملی باشند و یا می‌توانند شبکه‌هایی برای اعتمادسازی و ایجاد روابط متقابل و متقاطع میان دولت و جامعه باشند. (میدری، ۱۹۴: ۱۳۸۳)

مفهوم حکمرانی خوب در علم حقوق

مفهوم حکمرانی خوب به دلیل جدید بودن آن هنوز به انسجام و استواری لازم نزدیک نشده و تعابیر مختلفی در مورد آن به کار می‌رود.

برخی تعاریف ویژگی‌های آن را برمی‌شمرند و برخی دیگر عناصر آن را؛ به عنوان مثال کارشناسان بانک جهانی با بیان ویژگی‌ها به معرفی آن می‌پردازند و معتقدند مؤلفه‌هایی چون مشارکت، حاکمیت قانون، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، توجه به آرای عمومی و توافق جمعی (اجماع)، برابری، اثربخشی و کارایی، چشم‌انداز استراتژیک حکمرانی خوب را شکل می‌دهند و برخی نیز آن را با عناصرش معرفی می‌کنند و معتقدند که حکمرانی خوب شامل عناصر زیر است:

- در نظر گرفتن تنوع میان افراد، بین سازمان‌ها و مدیریت نیروها و نهادهای منطقه‌ای و جهانی

- پویایی محیط و فرایندها و تغییر تعاملات میان بازیگران و نهادها

- عقلایی کردن نقش دولت

- تقویت افراد، ذی‌نفعان، شهروندان و جامعه مدنی و بخش خصوصی برای قبول

نقش‌ها و مسئولیت‌های جدید

- ایجاد هم‌افزایی بین حکمرانی رسمی و خودگردانی غیر رسمی

- ظرفیت‌سازی، شامل بهبود منابع انسانی، تقویت خط‌مشی و مدیریت مالی و

ایجاد و ارتقای شراکت در زمینه رشد کارساز اقتصادی و برابر در سطوح جهانی منطقه‌ای، محلی و ملی. (Farazmand, 1999, 12)

ماری رابینسون، کمیسر ارشد حقوق بشر پس از تعریف حکمرانی که آن را فرآیندی می‌داند که از طریق آن نهادهای دولتی به مسائل عمومی می‌پردازند، منافع خود را مدیریت می‌کنند و تحقق حقوق بشر را تضمین می‌کنند، حکمرانی خوب را وضعیتی می‌داند که فعالیت‌های فوق را به شکل صحیح و دور از خطا با محوریت

قانون انجام می‌دهد. (OHCHR, 2000)

گروهی دیگر از محققان با بیان ویژگی‌های حکمرانی خوب به ارائه تعریف از آن پرداخته‌اند. آنان (تیلور ۲۰۰۰، مویس ۲۰۰۱، ویس ۲۰۰۰ و تیسدل ۱۹۹۸) معتقدند حکمرانی خوب دارای ویژگی‌های ذیل است:

- وجود و تقویت ساختارهای مردم‌سالارانه در جامعه
- شفافیت، پاسخگویی، هوشمندی و توسعه مشارکت‌جویانه
- توجه و واکنش به درخواست‌های مردم
- ایجاد خط‌مشی‌های مناسب اقتصادی برای تسهیل توسعه
- احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۷۴)

۳- تاریخچه

سازمان ملل متحد از سال ۱۹۵۵ رویکرد ارائه کمک‌های حق-بنیانی^(۱) را برای کشورهای در حال توسعه و در جهت تقویت نهادها و تأسیسات حکومتی کشورهای عضو شروع نموده و از آن تاریخ به بعد بر اجرای استانداردهای حقوق بشری در کشورهای عضو اصرار ورزیده است که سرآغازی بر طرح مباحث حکمرانی در سطح مجامع علمی و دانشگاهی به شمار می‌رود.^(۲)

در طول دهه ۱۹۸۰ میلادی، اندیشمندان سیاسی از این اصطلاح برای متمایز کردن آن از واژه حکومت استفاده کرده‌اند که شامل بازیگران جامعه مدنی نیز می‌شود. در ادامه و از نظر تاریخی، پیدایش اصطلاح حکمرانی خوب به بانک جهانی نسبت داده می‌شود. در دیباچه گزارش توسعه جهانی ۱۹۸۹ رئیس بانک جهانی از این اصطلاح برای اولین بار استفاده کرد. بانک جهانی در سال ۱۹۹۷ با انتشار کتاب "نقش دولت در جهان در حال تحول" اعلام کرد که حکمرانی خوب جزء لاینفک توسعه است.^(۳) (هداوند، ۱۳۸۶: ۲۰)

ماحصل تحولات تاریخی موجب شد تا حکمرانی در مفهوم جدید، پاسخی به شرایط جدید جهانی به شمار رود. حکمرانی خوب در حقیقت الگویی است در

1. Rights-based.

2. <http://www.ohchr.org/>

توسعه به منظور دستیابی به توسعه پایدار و با تأکید بر حفظ حقوق فردی و حمایت از فضای خصوصی در مقابل قلمرو عمومی یا سیاسی گسترده که در گذشته وجود داشته است. همانطور که گفته شد این مفهوم اگرچه به طور ضمنی با آغاز برنامه همکاری‌های سازمان ملل متحد در حوزه حقوق بشر در سال ۱۹۵۵ با هدف تقویت نهادهای اعمال حاکمیت طرح شده است، اما به طور مشخص عبارت حکمرانی در دهه ۱۹۸۰ و با اعمال نفوذ از سوی برخی نهادهای قدرتمند بین‌المللی و نیز در جریان اعطای کمک‌های توسعه‌ای که از طریق آن انواع کمک‌های مالی و فنی در قالب وام‌ها، پروژه‌ها و انواع همکاری‌های دوجانبه یا چندجانبه و نظایر آن از سوی نهادهای بین‌المللی یا کشورهای شمالی به کشورهای جنوب اعطا می‌شد، طرح شد، (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۷) که این دقت در تاریخ و مروجین این دیدگاه در فهم بهتر این نظریه مؤثر خواهد بود.

۴- رویکردهای مختلف به حکمرانی خوب

نکته دیگر اقسام مختلف بحث از حکمرانی خوب است. حکمرانی گاهی خود موضوعیت پیدا می‌کند و آن جایی است که پای حقوق بشر در میان باشد و گاهی طریقت، و آن جایی است که حاکمیت قانون و سایر مؤلفه‌ها برای رشد اقتصادی وسیله می‌شود. (Smith, 2007: x).

همچنین مؤلفه‌های تعریف شده برای حکمرانی خوب در حوزه‌های مختلف علوم تفاوت‌هایی دارند. در حقوق اساسی در جهت تغییر در اصول و قواعد حاکمیت شامل موارد زیر می‌شود: پاسخگویی رهبران سیاسی، تضمین حقوق بشر، توسعه حاکمیت قانون و تمرکززدایی حاکمیت سیاسی. در علوم سیاسی این مؤلفه‌ها عبارتند از: پلورالیزم، مشارکت و کاهش و پایان فساد. در مدیریت در پاسخ به این سؤال که آیا سیاست‌ها همانطوری که در نظر بوده انجام می‌شود مؤلفه‌های آن عبارتند از: پاسخگویی اداری، تاثیرگذاری و شفافیت (Smith, 2007: xi).

در یک نگاه دیگر حکمرانی می‌تواند به مثابه یک فرآیند یا یک ایدئولوژی یا یک شبکه بررسی شود. وقتی از حکمرانی به فرآیند یاد می‌شود منظور رویه و روشی است که در یک اقتصاد ملی و منابع اجتماعی اعمال می‌شود. در اینجا حکمرانی، هر نهاد و سازمان را در جامعه -از خانواده تا دولت- در بر می‌گیرد. این نگاه به حکمرانی

اهمیت توسعه نهادها -مخصوصا بخش خصوصی- را شناسایی می‌کند.

حکمرانی می‌تواند بسیار فراتر رود و به یک ایدئولوژی کامل شامل اصول سیاسی-اقتصادی، روابط و قواعد حاکم بر تولید و توزیع اقتصادی و ... دلالت کند. بنابراین حکمرانی خوب شامل لیبرال دموکراسی، موسسات آزاد، اقتصاد آزاد، دولت حداقلی و بازار آزاد می‌شود.

در نهایت حکمرانی می‌تواند به شبکه تعبیر شود؛ ترکیبی از اعضای خصوصی غیر حکومتی که نقشی را برای اجرا در فرمولاسیون سیاست عمومی و تحویل خدمات عمومی دارند. در این جا حکمرانی شامل حکومت به علاوه بخش خصوصی و بخش سوم غیر انتفاعی می‌شود (Smith, 2007: xii).

از منظری دیگر، با توجه به تکرر و تنوع حاکم ادبیات بر حکمرانی خوب، تلاش‌هایی در جهت تحلیل این تنوع در چند محور مشخص صورت گرفته است. به عنوان نمونه در یک بررسی بر تفاوت بین رویکردهای اقتصاد محور و رویکردهای حقوق محور تاکید شده است.

به عنوان مثال در رویکرد اقتصاد محور آمده است: "حکمرانی به عنوان روش اعمال قدرت در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، تعریف گردیده است که توسط بانک جهانی و چندین نهاد سازمان ملل به کار گرفته می‌شود. (World Bank, 1994: Vii) حکمرانی مورد نظر این سازمان‌ها بر رهبری تاکید دارد و بر این مبنا کشورهایی را دارای حکمرانی خوب می‌داند که توسط رژیم‌هایی هدایت می‌شوند که رهبران آنها به حاکمیت قانون، پاسخگویی، شفافیت، حق بهره‌گیری از حقوق انسانی و مدنی توجه می‌کنند.

در رویکرد دوم در تعریف حکمرانی بر تسهیم اقتدار مدیریت دولتی میان دولت و سازمان‌های غیردولتی تمرکز دارد. به گونه‌ای که بازیگران دولتی و غیردولتی نه به طور جداگانه بلکه به طور ترکیبی و همکاری گونه به حل مشکلات اجتماعی می‌پردازند. این تفکر، حکمرانی را به عنوان شکلی از همکاری چند جانبه تاکید صرف بر نهادهای دولتی می‌بیند (olowu, 2002: 345-346) (برای مطالعه بیشتر ر.ک: الوانی، ۱۳۸۶: ۴)

بررسی مطالعاتی شان می‌دهد حکمرانی خوب همزمان با گسترش و توسعه در محیط‌ها و تفکرهای مختلف، قرائت‌ها و تنوعات مختلف پیدا کرده است و این موضوع بر دشواری مطالعه و نقد و بررسی آن خواهد افزود.

۵- شاخص ها و ویژگی های حکمرانی خوب

در اینجا ویژگی های حکمرانی خوب، مطابق دیدگاه های «کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه (UNESCAP) بررسی می شود. (UNESCAP)^(۱)

بر این اساس حکمرانی خوب دارای هشت ویژگی است: باید مشارکت جویانه^(۲)، وفاق محوری^(۳)، پاسخگو^(۴)، شفاف^(۵)، انعطاف پذیر^(۶)، کارآمد و اثربخش^(۷)، منصفانه و فراگیر^(۸) و تابع حاکمیت قانون^(۹) باشد. حکمرانی خوب تضمین می کند که فساد به حداقل برسد، دیدگاه های اقلیت به حساب آید و صدای آسیب پذیرترین اقشار جامعه در تصمیم گیری شنیده شود. حکمرانی خوب به نیازهای حال و آینده نیز حساس است.

۵-۱. مشارکت

مشارکت مردان و زنان، سنگ بنای حکمرانی خوب است. مشارکت می تواند مستقیم یا از طریق نهادهای نمایندگانی میانجی قانونی باشد. مشارکت باید آگاهانه و سازمان یافته باشد. این امر به مفهوم وجود آزادی تشکیل جمعیت و بیان از یک سو و جامعه مدنی سازمان یافته از سوی دیگر است. (UNESCAP)

۵-۲. حاکمیت قانون

حکمرانی خوب مستلزم نظام های حقوقی عادلانه ای است که بی طرفانه اعمال شوند به علاوه حکمرانی خوب حمایت کامل از حقوق بشر به ویژه حقوق اقلیت ها را ایجاد می کند. اعمال بی طرفانه قوانین مستلزم وجود قوه قضائیه مستقل و نیروی پلیس بی طرف و فسادناپذیر است. (UNESCAP)

۱. ر.ک : <http://www.unescap.org/resources/what-good-governance>

2. Participatory
3. Consensus oriented
4. Accountable
5. Transparent
6. Responsive
7. Effective and efficient
8. Equitable And Inclusive
9. Rule Of Law

۵-۳. شفافیت

شفافیت به این معناست که اولاً، تصمیم‌های اتخاذ شده و اعمال آنها به شیوه‌ای انجام داده شود که تابع قواعد و مقررات باشند، ثانیاً اطلاعات مستقیماً و آزادانه برای کسانی که از این تصمیمات متأثر خواهند شد قابل دسترسی باشد، ثالثاً اطلاعات به اندازه کافی و به شکل‌هایی آسان و قابل فهم در رسانه‌ها ارائه شود. (UNESCAP)

۵-۴. انعطاف‌پذیری

حکمرانی خوب مستلزم آن است که نهادها و فرآیندها سعی کنند تا در یک محدوده زمانی معقول به کار همه ذی‌نفع‌ها برسند. (UNESCAP)

۵-۵. وفاق محوری

در هر جامعه‌ای، بازیگران متعدد و دیدگاه‌های متنوعی وجود دارند. حکمرانی خوب میانجی‌گری میان منافع مختلف در جامعه برای رسیدن به یک وفاق عام در مورد بهترین نفع کل اجتماع و راه رسیدن به آن را ایجاب می‌کند. حکمرانی خوب همچنین دیدگاهی گسترده و درازمدت در مورد نیازهای توسعه انسانی پایدار و چگونگی نیل به اهداف چنین توسعه‌ای است. این امر فقط می‌تواند از شناخت زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه یا اجتماع خاصی حاصل شود. (UNESCAP)

۵-۶. انصاف و فراگیر بودن

رفاه و بهروزی یک جامعه وابسته به اطمینان از این موضوع است که همه اعضای آن احساس کنند که سهمی در آن دارند و احساس طردشدگی از روند کلی جامعه نداشته باشند، این امر ایجاب می‌کند که همه گروه‌ها به ویژه آسیب‌پذیرترین گروه‌ها، فرصت‌هایی برای بهبود و حفظ رفاه خود داشته باشند. (UNESCAP)

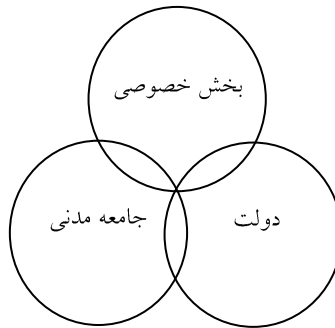
۵-۷. کارآمدی و اثربخشی

حکمرانی خوب به این معناست که فرآیندها و نهادها نتایجی را به بار آورند که نیازهای جامعه را تأمین و در عین حال از منابع در اختیار خود به بهترین وجه استفاده کنند. همچنین مفهوم کارآمدی در چهارچوب حکمرانی خوب استفاده پایدار از منابع طبیعی حفاظت از محیط‌زیست است. (UNESCAP)

۵-۸. پاسخگویی

پاسخگویی شرط اصلی حکمرانی خوب است. نه تنها نهادهای حکومتی بلکه حتی بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی نیز باید به عموم مردم و نهادهای ذی‌نفع پاسخگو باشند. این‌که چه کسی به چه کسی پاسخگو است، بستگی دارد به این‌که آیا تصمیمات یا اقدامات اتخاذ شده در یک سازمان یا مؤسسه، درونی یا بیرونی هستند یا نه، به طور کلی یک سازمان یا مؤسسه به کسانی پاسخگو خواهد بود که از تصمیمات یا اقدامات آن متأثر می‌شوند. پاسخگویی را نمی‌توان بدون شفافیت و حاکمیت قانون اعمال کرد (UN ESCAP)

سه قلمرو برای حکمرانی



در الگوی تعاملی فوق، نوعی تقسیم کار نیز مشاهده می‌شود. بدین معنا که هر یک از بخش‌ها با وظایفی که بر عهده دارند در پیشبرد سایر بخش‌ها نقش ایفا خواهند کرد. بنابراین سه حوزه و قلمرو اصلی در حکمرانی نقش ایفا می‌کنند. در هر حوزه بازیگرانی وجود دارد (رسمی یا غیررسمی) که در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای آن دخالت دارند. این بازیگران هم شامل افراد و گروه‌ها و هم شامل ساختارهای رسمی و غیر رسمی خواهد بود. (UNDP, 1997:1225)

۶- آثار حقوقی حکمرانی خوب

به عنوان مقدمه باید تاکید شود که در مفهوم حکمرانی خوب از آنجا که وحدت معنایی وجود نداشته و با رویکردهای مختلف، دیدگاه‌های مختلف و حتی متضاد نسبت به آن ابراز شده است، در اینجا فقط از منظر حقوقی به آن اشاره می‌شود، و با توجه به

اینکه این مبانی بیشتر در خلال اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی مطرح شده‌اند، این منابع در اینجا به عنوان مبانی اصلی توسعه و ترویج مطرح می‌گردند.

مفهوم حکمرانی خوب اصولاً در منشور سازمان ملل و حقوق بین‌الملل ایجاد شده در سایه حمایت سازمان ملل ریشه دارد. اما در چند دهه اخیر رویکرد حقوق بشری و حق بنیادین به توسعه در اعلامیه‌ها و اسناد مختلف گسترش یافته است.

کمیسیون حقوقی سازمان ملل طی قطعنامه‌ای ۲۰۰۰/۶ به بیان ویژگی‌های اساسی حکمرانی خوب پرداخته است که عبارتند از: شفافیت^(۱)، مسئولیت^(۲)، پاسخگویی^(۳)، مشارکت^(۴)، حاکمیت قانون^(۵) و انعطاف‌پذیری^(۶).

قطعنامه ۲۰۰۰/۷۲ نیز ضمن تأکید بر قطعنامه قبلی خود، حکمرانی مطلوب را به معنی مشارکت بیشتر توأم با پاسخگویی افزون‌تر معرفی کرده است.

مفهوم حکمرانی خوب توسط کمیسیون حقوق بشر در قطعنامه ۲۰۰۰/۶۴ تبیین شده است. در این قطعنامه عناصر کلیدی حکمرانی خوب عبارتند از: شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، مشارکت و حساسیت.

قطعنامه ۲۰۰۰/۶۴ به روشنی حکمرانی خوب را به محیط توانمندسازی که سرچشمه و موجب برخورداری از حقوق بشر و تشویق رشد و توسعه انسانی پایدار است ارتباط می‌دهد. با اتصال حکمرانی خوب به توسعه انسانی پایدار، از طریق تأکید بر اصولی همچون پاسخگویی، مشارکت، برخورداری از حقوق بشر و مردود دانستن رویکردهای تجویزی به کمک‌های توسعه، قطعنامه مزبور بر رویکرد حق محور نسبت به توسعه بنا نهاده شده است. (هداوند، ۲۰: ۱۳۸۶)

دبیرکل سازمان ملل در کنفرانس بین‌المللی «حکمرانی برای رشد پایدار و عدالت» در سال ۱۹۹۷ این‌گونه اظهار نظر کرده است:

«معضل فعلی علم سیاست، بازتعریف نقش دولت است. این باور به طور فزاینده تقویت می‌شود که کارکرد اصلی دولت فراهم آوردن محیطی توانمندساز است که در

1. Transparency
2. Responsibility
3. Accountability
4. Participation
5. The rule of law
6. Responsiveness

آن سرمایه‌گذاری محقق شود، ثروت پدید آید و افراد بتوانند شکوفا شوند و رشد کنند. بدین ترتیب جامعه مدنی می‌تواند تشکیل و نمایان شود و افراد را در تصمیم‌گیری مؤثر برای زندگی‌شان درگیر کند». (UNDP, 1997:1224)

او ادامه می‌دهد:

«حکمرانی خوب و توسعه پایدار تفکیک‌ناپذیر هستند. این درسی است که ما از همه تلاش‌ها و تجربیات خود در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین گرفته‌ایم. بدون حکمرانی خوب - یعنی بدون حاکمیت قانون، مدیریت قابل پیش‌بینی، قدرت مشروع و مقررات‌گذاری منعطف - تخصیص بودجه و هزینه و دریافت کمک‌های مالی با هر مبلغی نمی‌تواند ما را در مسیر رفاه و بهروزی قرار دهد.» (UNDP, 1997:1224)

و در نهایت پیش از بررسی ویژگی‌های حکمرانی خوب باید اشاره کرد که آنچه به عنوان وجه ممیز این نظریه مورد اتفاق نظر است، درگیری سه‌بخش: دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در فرآیند مذکور است.

در تعریف کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه (UNESCAP) آمده است:

«چون حکمرانی شامل فرآیند تصمیم‌گیری و فرآیند اجرای تصمیمات می‌شود، تحلیل و بررسی آن نیز شامل تحلیل کنشگران رسمی و غیر رسمی دخیل در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات و نیز تحلیل ساختارهای رسمی و غیر رسمی ایجاد شده مناسب برای اتخاذ و اجرای تصمیم می‌گردد.

حکومت یکی از این کنشگران در حکمرانی است. دیگر بازیگران دخیل در حکمرانی بسته به سطح حکومتی که مورد بررسی است متفاوت هستند. به عنوان مثال در مناطق روستایی، سایر کنشگران ممکن است شامل مالکان با نفوذ اراضی، انجمن‌های کشاورزان روستایی، شرکت‌های تعاونی، سازمان‌های غیر دولتی، مؤسسات تحقیقاتی، رهبران مذهبی، مؤسسات مالی، احزاب سیاسی، نیروهای نظامی و غیره باشند. وضعیت در مناطق شهری کمی پیچیده‌تر است و حاصل ارتباطات متقابل بین کنشگران دخیل در حکمرانی شهری است. در سطح ملی، علاوه بر کنشگران فوق، رسانه‌ها، لابی‌گران، کمک‌دهندگان بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی و غیره ممکن است در تصمیم‌گیری با تأثیرگذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری نقشی بازی کنند.

تمامی این کنشگران به جز حکومت و ارتش، به عنوان بخشی از «جامعه مدنی» دسته‌بندی می‌شوند. در برخی از کشورها، علاوه بر جامعه مدنی، سندیکاها و تبهکاری سازمان‌یافته نیز به ویژه در مناطق شهری و در سطح ملی بر روند تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارند» (UNESCAP).

آنچه که در حکمرانی خوب حائز اهمیت است، ارتباط سه حوزه دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است که اگر چنین وضعی رخ دهد، حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه شکل می‌گیرد، با این شرایط دولت چارچوب حقوقی و محدوده عمل سیاسی را تعیین کرده، بخش خصوصی تولید ثروت کرده و ایجاد اشتغال می‌کند و جامعه مدنی از طریق بسیج عمومی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و ارتباط متقابل جامعه و سیاست را تسهیل می‌کند. از آنجا که هر یک از این سه حوزه، ضعف‌ها و قوت‌هایی دارند، حکمرانی خوب را به ویژه در ارتباط با الزام توسعه پایدار به منزله وجود یک ارتباط سازنده میان این سه حوزه می‌دانند.

در ارتباط سازنده بر مفهوم شراکت به جای مشارکت تأکید می‌شود؛ گرچه مشارکت مفهومی آرمانی و مورد قبول همگان است، اما زمانی که بحث مشارکت در سطوح اداره دولت طرح می‌شود، معنا و مفهوم آن این است که دولتی در بالا قرار دارد، بقیه اجزا و بازیگران در پایین قرار دارند و دولت مشارکت آنها را طلب می‌کند، یا به اجبار آن را می‌پذیرد. اما شراکت مفهومی فراتر از مشارکت است؛ در این حالت افراد، گروه‌ها و به طور کلی بازیگران مختلف، هر یک منابعی با خود می‌آورند و در امری با یکدیگر شراکت می‌کنند. در این حالت دیگر فرد یا مجموعه‌ای در بالا قرار ندارند، بلکه همه در کنار هم و با نقش‌ها و مسئولیت‌های مشخص و معین فعالیت‌های خاصی را انجام می‌دهند، که مجموعه آن اداره امور کل کشور خواهد شد. (قلی پور، ۱۳۸۷: ۷۷)

۷- مبانی حقوقی حکمرانی خوب

با نگاهی به پیشینه نظریه‌ی حکمرانی خوب به وضوح می‌توان دریافت که این نظریه در حقیقت در مقام تبیین الگویی به منظور دستیابی به توسعه پایدار است. به بیان دقیق‌تر این نظریه ابتدا رویکرد اقتصادی داشته و هدف از آن توسعه‌ی اقتصادی

بوده است (میدری، ۱۳۸۳، ۲۶) و بر همین اساس در مقام تحلیل و بررسی در کنار دیدگاه دولت بزرگ یا تقویت و گسترش اقتصادی دولت و دولت کوچک یا کاهش نقش دولت در عرصه اقتصاد مطرح گردید و نقش محوری در این نظریه با توانمندسازی دولت از طریق شایسته‌سالاری، تمرکززدایی، همکاری و نظارت نهادهای مدنی و استانداردسازی نظام‌های آماری، پولی و بودجه‌ای تحقق پیدا می‌کند. (میدری، ۱۳۸۳، ۲۹) این در حالی است که می‌توان مبانی حقوقی این نظریه را در چگونگی دست‌یافتن به حکومتی عادلانه و مردم‌سالار جستجو نمود. (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲، ۲) به بیان دقیق‌تر نظریه‌ی حکمرانی خوب با بیان شاخصه‌ها و معیارهایی به دنبال ترسیم راهی برای تحقق مفاهیم مردم‌سالاری و عدالت به عنوان مبانی حکومت در ادبیات معاصر است. بر این اساس نظریه حکمرانی خوب سبب شکل‌گیری دولت‌هایی شده که وظیفه و نقش اصلی آن در توسعه و تقویت نهادهای مردم‌سالار است. در حقیقت مبتنی بر حکمرانی خوب، دولت باید مردم‌سالاری را در جامعه نهادینه سازد تا افراد بتوانند در پرتو آن آزادانه به فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بپردازند چرا که مد نظر قراردادادن مبانی همانند قرارداد اجتماعی، اعمال قدرت و کنترل، مسئولیت ارائه‌ی خدمات عمومی و فراهم‌سازی محیطی برای توسعه‌ی پایدار انسانی که از اصول حاکم بر نظریه‌ی حکمرانی خوب است به عنوان شاخصه‌هایی برای تشکیل حکومت مطلوب در اندیشه‌ی حقوق عمومی معاصر محسوب می‌گردد. (نادر، ۱۳۹۰، ۸۳ و ۸۴)

۶- رویکردهای اندیشمندان حقوقی کشور به حکمرانی خوب

در مواجهه با حکمرانی خوب دیدگاه‌های مختلفی در داخل کشور می‌توان اشاره کرد: در یک رویکرد یکی از قرائت‌های حکمرانی خوب بدون هیچ نقد و نظری پذیرفته می‌شود و در ادامه به بررسی وضعیت داخلی با این چهارچوب پرداخته خواهد شد. این برخورد ساده باعث بروز و ظهور نتایج متفاوت و گاه متناقضی شده است. به عنوان مثال برخی تحلیل‌ها به کلی حقوق داخلی را در تنافی با حکمرانی خوب می‌دانند:

" ترتیبات فعلی ساختاری و تشکیلاتی و مدیریت کلان حکومت که مبتنی بر قانون اساسی است، اهداف و ارزش‌های حکمرانی خوب را تأمین و تسهیل

نمی‌نمایند. دستیابی به ارزش‌ها و اصول حکمرانی خوب مستلزم تحقق سازماندهی حکومت و ساختارهای متناسب با مردم‌سالاری و حاکمیت جمهوری است که دارای اوصاف تمرکززدایی، مشارکتی، شفافیت، پاسخگویی، حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های عمومی باشد. حکمرانی خوب، حقوق بشر و شهروندی، پاسخگویی و حاکمیت قانون ثمره‌هایی نیستند که در هر بستر ساختاری، سازمانی، تشکیلاتی و فرآیندی به بار نشینند. حاکمیت جمهوری مستلزم حکومت جمهوری است". (زارعی، ۲۰۲: ۱۳۸۳)

اما در تحقیق مشابه با اتخاذ رویکرد متفاوت نتایج دیگری را شاهد هستیم: "یافته‌های تحقیق بیانگر این است که هر یک از معیارهای حکمرانی خوب به گونه‌ای در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تاکید بسیار بوده است و در عرصه عمل نیز شاهد بهبود (هرچند همراه با فراز و نشیب) شاخص‌های حکمرانی خوب پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون می‌باشیم، ولی در عین حال در مقاطعی از این دوران شاهد برهم خوردن تعادل میان این سه نهاد اصلی جامعه بوده ایم که در آینده‌ای نه چندان دور عوارض خود را نشان داده‌اند. (الوانی، ۲: ۱۳۸۶)

در رویکردی دیگر حکمرانی خوب به طور نسبی پذیرفته می‌شود و تلاش‌ها در جهت ایجاد انطباق با شرایط داخلی است: در این رویکرد ورود به مسئله به صورت موردی و جزئی بوده است. یعنی چه در مقایسه حکمرانی خوب با شرایط بومی و چه در معرفی آن تمرکز بر شرح و بسط مؤلفه‌های حکمرانی خوب بوده است، و نتایجی هم که در نتیجه حاصل می‌شده به عنوان مثال بحث از انطباق یا عدم انطباق نظام حقوقی با مؤلفه‌های حکمرانی خوب، یا بررسی تک تک مؤلفه‌ها (مانند پاسخگویی حاکمان یا حاکمیت قانون یا ...) در منابع دینی؛ دارای همین رویکرد جزء محور بوده است.^(۱)

سومین رویکردی که به نظریه حکمرانی خوب در نظام حقوق داخلی وجود داشته، رویکرد نقد مبنایی و مبتنی بر اندیشه دینی حکمرانی است. در این رویکرد تلاش بر این است که به جای رویکرد مولفه محور و توجه به جزئیات، بیشتر به مبنای

۱. به عنوان مثال رک: بررسی تطبیقی حکمرانی خوب با آموزه‌های دینی و سیره حکومت امام علی علیه السلام (میدری، ۱۳۸۳: ۴۷۹) و حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی (ناظمی، مجله علوم انسانی سال، ۱۳۸۷: صفحه ۱۱۴)

فلسفی و پیش فرض‌های حکمرانی خوب توجه شود و با مطالعه و تبیین روایات و آیات متناظر با هر بحث مبانی دینی تشریح و تبیین گردد.

به عنوان مثال یکی از نویسندگان ضمن نقد اومانیزم و لیبرالیسم به عنوان مبانی نظریه حکمرانی خوب به طرح روایاتی در خصوص ویژگی‌های حکومت آرمانی در نگاه اسلامی می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که:

"ظاهراً به توضیح نیازی ندارد که شاخص‌های حکمرانی و دولت مطلوب از دیدگاه اسلام با آنچه در نظریه «حکمرانی خوب» آمده فاصله بسیار دارد، و آنچه که ما به عنوان یک مسلمان معتقد باید خود را با آن تنظیم کنیم حکمرانی مطلوب اسلام است نه آن حکمرانی که بانک جهانی و نظریه‌پردازان آن برای ما تصویر می‌کنند." (نادری، ۱۳۹۰: ۶۹)

رویکرد چهارم رویکرد نقد چارچوبمند است که در این رویکرد ابتدا تناقض‌های درونی حکمرانی خوب و تفاوت قرائت‌های موجود تبیین می‌شود و با هدف پرهیز از نگاه ساده و مؤلفه محور به حکمرانی خوب، برای فهم دقیق حکمرانی خوب تلاش در جهت ارائه چهارچوب تحلیل متناسب می‌شود:

«در این نگاه چهارچوب تحلیل پیشنهادی، تبیین جایگاه حکمرانی خوب در نسبت بین نظریات دولت و نظریه‌های توسعه است. با این اوصاف تحلیل حکمرانی خوب در این چهارچوب نشان می‌دهد که بر خلاف مدعای اولیه طراحان، این نظریه را به طور خلاصه می‌توان یک نظریه دولت دانست که غایت آن توسعه تعریف می‌شود و نسخه توسعه مورد نظر آن هم، جهانی و مدرن خواهد بود.

با این تحلیل تک تک مؤلفه‌های حکمرانی خوب که شاید در نگاه اول خالی از عیب و منزه از غرض به نظر می‌رسید اما در بافت نهایی و در مجموع دولت را به توسعه و توسعه را به نوسازی در ابعاد جهانی تفسیر می‌کنند و دوباره قابل تأمل می‌شود. به عنوان مثال تعامل سه گانه دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی وقتی معنا می‌یابد که در کنار شرکت‌های چند ملیتی و نهادهای بین المللی حقوق بشر فهمیده شود که در این معنا تضعیف حکومت ملی به نفع نیروهای غیر بومی خواهد بود یا عنصر شفافیت دیگر تنها درون مرزهای داخلی نیست، بلکه در یک ویتترین جهانی همه اطلاعات ملی در اختیار جریان سرمایه خواهد بود و ... و البته فهم تاثیر

تک تک شاخصه‌ها و وظایف دولت محتاج فهم شبکه‌ای حکمرانی خوب در رابطه دولت و توسعه می‌باشد و در این جا باید به مقایسه و بررسی اهداف و منشا دولت در مبانی بومی و دینی با پیش فرض های نظریه و همین‌طور در باب توسعه پرداخت تا به نسبت آن با مبانی داخلی پاسخ داد» (ر.ک: سیدمحسنی، ۱۳۸۹: ۱۱۳).

۹- جمع بندی

حکمرانی خوب مثل هر مفهوم دیگری در حوزه علوم اجتماعی محصول شرایط زمان و مکان خواهد بود. این اصطلاح که در سال پایانی دهه ۱۹۸۰ برای اولین بار مطرح شد، اما در زمان کوتاهی شاخه‌های بسیاری از علوم اجتماعی از جمله حقوق را تحت تاثیر خود قرار داد.

در چند دهه اخیر، تحولات سریع رسانه‌ها، اقتصاد، فرهنگ و سیاست به تدریج نقش دولت-ملت‌ها را تضعیف کرده و نیاز به تبیین‌های جدید علمی برای شرایط جدید پیش آمده را دو چندان کرده است. می‌توان به سؤال از نقش دولت و سایر بازیگران جدید عرصه حکومت، به عنوان اصلی ترین دغدغه حکمرانی خوب اشاره کرد.

البته همان‌طور که اشاره شد هیچ اجماعی در خصوص تعریف و محتوا و مصادیق حکمرانی تاکنون حاصل نشده است و هر نهاد و سازمانی به فراخور مبانی و نیازهای خود تعریف متفاوت و گاه متضاد با سایرین را ارائه می‌دهد.

در بررسی داخلی حقوق ایران این مشکل دو چندان خواهد شد. برخی رویکردها به صورت مطلق ادبیات این نظریه را می‌پذیرند، اما باز هم نتایج متضادی در حقوق داخلی ارائه می‌دهند. برخی رویکردها جزئی و مؤلفه محور به آن می‌پردازند و برخی دیگر نگاه کل نگرانه به حکمرانی دارند.

در مجموع به دلیل تنوعات فوق نمی‌توان نتیجه قطعی در زمینه حقوق ایران ارائه داد. اما می‌توان این تنبه را مد نظر قرار داد که بر خلاف مدعای نظریه که خود را نسبت به هر شرایط فرهنگی لا اقتضاء و متناسب می‌داند، حکمرانی خوب مشحون از دیدگاه های لیبرال و مدرن است که در قالبی متفاوت خود را به نظام های حقوقی معاصر تحمیل می‌کند.

۱۰- منابع پیشنهادی جهت مطالعه بیشتر

۱- منابع فارسی

کتابها

۱. بانک جهانی، نقش دولت در جهان در حال تحول، ترجمه گروهی از مترجمان، تهران موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۸.
۲. سازمان مدیریت و برنامه ریزی، گزارش توجیهی لایحه خدمات کشوری، تهران سازمان مدیریت و برنامه ریزی، شقایق روستا، ۱۳۸۴.
۳. قلی‌پور، رحمت‌الله، حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۴. میدری، احمد، حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۳.

مقالات

۵. اسکاپ، «حکمرانی خوب چیست»، مهدی هداوند، اقتصاد سیاسی، شماره ۸.
۶. شریف‌زاده، فتاح، قلی‌پور، رحمت‌الله، «حکمرانی خوب و نقش دولت»، فرهنگ مدیریت، ۱۳۸۲، شماره ۴.
۷. صانعی، مهدی، «حکمرانی خوب مفهومی نو در مدیریت دولتی»، تدبیر - شماره ۱۷۸ - ۱۳۸۵.
۸. قلی‌پور، رحمت‌الله، «تحلیل و امکان‌سنجی حکمرانی خوب در ایران با تاکید بر نقش دولت»، دانش مدیریت، ش ۶۷ زمستان ۸۳.
۹. قلی‌پور، رحمت‌الله، «حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت»، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۰. میدری، احمد، «مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب»، فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳۸۵، سال ششم، شماره ۱۱.
۱۱. نادری، محمدمهدی، «حکمرانی خوب؛ معرفی و نقدی اجمالی»، اسلام و پژوهشهای مدیریت، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۰.
۱۲. ناظمی اردکانی، محمد، «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی»، مجله علوم انسانی، ش ۷۶، سال هفدهم.

۱۳. هداوند، مهدی، «حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر»، نشریه حقوق اساسی، ۱۳۸۴ سال سوم، شماره ۴.

قوانین

پایان نامه

۱۴. خانی گیاشی، رضا، قانون مدیریت خدمات کشوری در پرتو حکمرانی مطلوب، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، آقای دکتر انصاری ۱۳۸۹.
۱۵. هداوند، مهدی، نظارت قضایی بر اعمال اداری از منظر حکمرانی خوب، پایان نامه دوره دکتری زیر نظر دکتر سیدفاطمی، ۱۳۸۶.

۲- منابع لاتین

کتاب

1. Anne Mette Kjar. "Governance", Key Concepts, UK: Polty Press, 2004.
2. Hams-Otto, "Human Right and Good Governance" Mrtimus Nijhoff, Publishers, Hague, Kluwer Law, 2002
3. Jolle demmres, Good Governance in the era of global neoliberalism conflict and depolitisation in Latin America, eastern Europe, Asia and Africa, Edited by Jolle Demmers, Alex E.Fern.ndez Jilberto and Barbara Hogenboom , LONDON AND NEW YORK,routledge,2004
4. N.Botchway.Francis,"Good Governance:The Old,The New,The principle and the elements".13 flaj,int ,I.L.159.2000-2001
5. .Smith(Smith.BrainC(Brainclive)good governance and development, palgrave. macmillan:2007

مقالات

6. Chandler, David, Good governance' can make bad Government(A study of international anti-corruption initiatives in Bosnia-Herzegovina),in Good Governance in the era of global neoliberalism conflict and depolitisation in Latin America, eastern Europe, Asia and Africa, Edited by Jolle Demmers, Alex E.Fern.ndez Jilberto and Barbara Hogenboom , LONDON AND NEW YORK,routledge,2004
7. OHCHR Home "Human Rights In Development" Office Of United Nation High Commissioner For Human Rights- Geneva"
8. Stowe, Kenneth: "Good Piano Won't Play Bad Music Administrative Reform and Good Governance" Public Administration, Vol ۱۱۱۱.
9. UNDP, Governance for Sustainable Growth and Equity. ۱۱۱۱ July ۱۱۱۱
10. Jeff Huthr and Anwarsha: "Applying a Simple Measure Of Good Governance" ۱۱۱. www.worldbank.org/wbi/governance/pdf/wps۱۱۱۱.pdf
11. UN ESCAP "what Is Good Governance?" www.unescup.com

منابع و مآخذ

فارسی

۱. زارعی، محمد حسین، «حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران»، تحقیقات حقوقی. پاییز و زمستان ۱۳۸۳ - شماره ۴۰.
۲. سید محسنی باغسنگانی، مهدی، «تأثیر نظریه حکمرانی خوب بر قانون مدیریت خدمات کشوری»، پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی ولی رستمی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق، زمستان ۱۳۸۹.
۳. شاه‌آبادی، ابوالفضل و جامه‌بزرگی، آمنه، «نظریه‌ی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه»، فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه، شماره ۲، ۱۳۹۲.
۴. قلی‌پور، رحمت‌الله، «حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۵. میدری، احمد، «حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۳.
۶. نادری، محمد مهدی، «حکمرانی خوب؛ معرفی و نقدی اجمالی»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی ۱، شماره ۱، ۱۳۹۰.
۷. نادری، محمد مهدی، «حکمرانی خوب؛ معرفی و نقدی اجمالی»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۰.
۸. ناظمی اردکانی، محمد، «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی»، مجله علوم انسانی، ش ۷۶، سال هفدهم.
۹. الوانی، سید مهدی و علیزاده ثانی، محسن، «تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران»، مطالعات مدیریت ۱۳۸۶، شماره ۵۳.
۱۰. هداوند، مهدی، «حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر»، نشریه حقوق اساسی، ۱۳۸۴ سال سوم، شماره ۴.
۱۱. هداوند، مهدی، «نظارت قضایی بر اعمال اداری از منظر حکمرانی خوب»، پایان نامه دوره دکتری زیر نظر دکتر سیدفاطمی، ۱۳۸۶.

لاتین

1. Anne Mette Kjar. "Governance", Key Concepts, 2004. Pagel
2. Farazmand, Ali, 1999, "From Government To Governance". Issue Paper Prepared for Presentation by the United Nations' Secretary General, at the World Conference on Governance held in Manila, the Philippines, May 31-

June 4, 1999, a consulting work. Paper published in six languages infor the conference (consulting work). peresent at:

[ttp://www.fau.edu/spa/faculty/afarazmand.php](http://www.fau.edu/spa/faculty/afarazmand.php)

3. Hams-Otto, "Human Right and Good Governance" Mrtimus Nijhoff, Publishers, Hague, Kluwer Law, 2002
4. OHCHR Home "Human Rights In Development" Office Of United Nation High Commissioner For Human Rights- Geneva" 2000
5. Olowu,dele. 2002 Introduction—Governance and Public Administration in the 21st Century: A Research and Training Prospectus, International Review of Administrative Sciences September 2002 vol. 68 no. 3 345-35
6. .Smith(Smith.BrainC(Brainclive)good governance and development,palgrave.macmillan:2007
7. UNDP, Governance For Sutainable Growth And Equity. 28-30 July 1997
8. UN ESCAP "what Is Good Governance?" www.unescup.com
9. World bank 1994. governance: the world banks experience, Washington, DC: World bank
10. <http://www.oxforddictionaries.com>
11. <http://www.undp.org>

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایفا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir